

## انتخابات و ارزش‌های دینی

داکتر محمدجواد صالحی\*



چکیده

انتخابات یکی از مؤلفه‌های اصلی دموکراسی محسوب می‌گردد. توسط انتخابات مردم حق تعیین سرنوشت خود را به دست می‌آورند. مردم با رفتن به پای صندوق‌های رأی حضور و مشارکت‌شان را در نظام سیاسی کشور نشان می‌دهند. اما آنچه در این میان مهم به نظر می‌رسد، تبیین جایگاه انتخابات در نظام مبتنی بر ارزش‌های اسلامی است. این مقاله با استفاده از روش تحقیق کتابخانه‌ای، کوشیده است تا جایگاه انتخابات را در حکومت اسلامی تبیین نماید. آنچه از آیات قرآن کریم و احادیث شریف استنتاج می‌گردد این است که انتخابات جایگاه ویژه‌ای در آموزه‌های دینی دارد. مطابق این آموزه‌ها، انتخابات با شرایط ویژه‌ای در حکومت اسلامی مطرح می‌باشد. این شرایط ویژه نظام انتخاباتی در حکومت اسلامی را از نظام انتخاباتی در حکومت‌های لیبرال متمایز و متفاوت می‌سازد.

واژگان کلیدی: انتخابات، اسلام، نظام سیاسی، حکومت اسلامی.

\* نویسنده، پژوهشگر و رئیس دانشگاه گهرشاد.

## مبانی و ویژگی‌های انتخابات

انتخابات، نماد برجسته مردم‌سالاری است و برگزاری انتخابات آزاد و رقابتی، نشانه حاکمیت اراده ملت بر سرنوشت سیاسی‌شان است. با اهمیت یافتن نقش مردم در نظام‌های سیاسی که از ویژگی‌های دوران جدید است - مردم با حضور و مشارکت در پای صندوق‌های رأی، زمینه‌های مسالمت‌آمیز تغییر قدرت را فراهم می‌کنند و حاکمان را برمی‌گزینند. از این‌رو، انتخابات به ستون فقرات حکومت‌های مردم‌سالار تبدیل شده و به اندازه‌ای اهمیت یافته است که گروهی از اندیشمندان، آن را با دموکراسی یگانه می‌پندارند.

اما باید دید جایگاه انتخابات در حکومت اسلامی چیست؟ آیا انتخابات با آموزه‌های دینی سازگاری دارد؟ آیا در متون دینی می‌توان جایگاهی برای آن یافت؟ تمایزات و تشابهات آنان چیست؟ ویژگی‌های انتخابات در حکومت اسلامی کدام است؟ در ادامه، این پرسش‌ها پاسخ داده خواهد شد.

### مفهوم انتخابات

انتخابات، شیوه‌ای برای بیان اراده مردم است. ملت، که در نظام‌های مردم‌سالار نقش تعیین‌کننده در عرصه‌های مختلف تأسیس، اجرا و نظارت دارد، با مشارکت در انتخابات آزاد و رقابتی، اراده خود را اظهار می‌کند و نمایندگان خود را برمی‌گزیند. به عقیده یکی از حقوق‌دانان «انتخابات مشتمل بر مجموعه عملیاتی است که یا در قوانین و یا در آیین‌نامه‌های اجرایی، به طریقی پیش‌بینی شده است که کار رأی‌گیری، قرائت آرا و اعلان نتیجه، در نهایت صحت و سلامت و آزادی و منطبق با اهداف انتخابات به سامان گردد.»<sup>۱</sup> و در تعریف دیگر «انتخابات به معنای برگزیدن کسی است برای انجام کاری و در شکل‌گیری جمع، بیشتر برای اشاره به انتخابات نماینده برای مجالس مقننه، شوراهای شهر یا ریاست جمهوری آورده می‌شود».<sup>۲</sup>

بنابراین، ماهیت انتخابات اظهار اراده مردم و گزینش فرمانروایان است، ولی فرایند آن

۱. ابوالفضل قاضی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰، ج دوم، ص ۷۰۸.

۲. محمد غفوری، آیین‌نامه‌های حزبی و آیین‌نامه‌های انتخاباتی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۴۷ و ۱۴۸، ص ۱۴۹.

نامزدی، رأی‌گیری، قرائت آرا و اعلان نتیجه می‌تواند متناسب با شرایط فرهنگی، سیاسی و اجتماعی هر کشور متفاوت باشد.

## پیشینه انتخابات

پیشینه انتخابات، ریشه در تحولات حاکمیت و مقبولیت مشارکت مردم در نظام‌های سیاسی دارد. ظهور عصر رنسانس و پدیدار شدن دوره روشنگری در قاره اروپا، دگرگونی‌های بنیادی در اندیشه سیاسی اروپاییان به وجود آورد. در سده‌های میانه که مشروعیت نظام‌های سیاسی، از اراده ملت خارج بود، مشارکت مردم نیز اهمیتی نداشت؛ ولی با انتقال حاکمیت به مردم، اراده آنان اهمیت ویژه‌ای یافت و تعیین‌کننده چگونگی امور اجرایی حکومتی شد. چون پیچیدگی روزافزون جوامع، مانع اعمال مستقیم حاکمیت ملت شد، اندیشمندان سازوکار نوین انتخابات را پیشنهاد کردند. این روش مقبولیت عمومی یافت و به یکی از ارکان اصلی مردم‌سالاری تبدیل شد.

نخستین سنگ‌بنای انتخابات، در انگلستان پایه‌گذاری شد و «پایه انتخابات، البته به گونه ابتدایی و ساده آن، در این کشور ریخته شد. از همان زمان، آرام آرام شیوه‌های گزینش و فنون مربوط، راه تکامل پیش گرفت و از صورت **یک امر اتفاقی و زودگذر**، به صورت نظامی یکپارچه درآمد و کم‌کم وارد شبکه حقوق اکثر کشورهای عالم گردید»<sup>۱</sup>.

اما این فرایند، در قرون هفدهم و هجدهم زمانی استقرار و تحکیم یافت که دانشمندان درباره تحقق حاکمیت مردم از راه نمایندگی موافقت کردند و اعمال حاکمیت مردم به شیوه نماینده‌سالاری، در جوامع پیچیده و گسترش یافته امروز پذیرش عمومی یافت.

«استقرار حقوقی و سیاسی انتخابات در شکل نهایی آن، در قرون هفدهم و هجدهم با پذیرش نماینده‌سالاری و ایجاد رژیم‌های نماینده‌ای و متعاقب ظهور نظریه حاکمیت ملی انجام پذیرفت»<sup>۲</sup>. بدین ترتیب سازوکار انتخابات برای بیان و تحقق اراده‌ی مردم مقبولیت عمومی

۱. حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، ص ۶۸۰.

۲. همان.

یافت و در قرن بیستم و آغاز سده بیست و یکم، نماد مردم‌سالاری به شمار آمد و کمیت و کیفیت آن نشانه‌ی عمق و دامنه آن است.

## کارویژه انتخاباتی

اندیشمندان علوم سیاسی و اجتماعی شیوه‌های متفاوتی را برای تبیین پدیده‌های اجتماعی پیشنهاد کرده‌اند. کارکردگرایی، یکی از رهیافت‌های اصلی در این زمینه است. این شیوه هرچند که کاستی‌های خود را دارد، ولی در ارزیابی پدیده‌های سیاسی و اجتماعی با آموزه‌های دینی می‌تواند مفید باشد؛ زیرا براساس این آموزه‌ها، پدیده‌ها براساس نقش و اهمیت شان در تداوم و پویایی نظام سیاسی، ارزیابی می‌شوند. بنابراین، طبیعی است که به پدیده‌هایی که کارویژه مثبتی در تقویت و تحکیم نظام اسلامی داشته باشند، با دیده مثبت نگریسته می‌شود و این پدیده‌ها وسیله‌ای در خدمت آرمان‌های جامعه اسلامی خواهند بود و از آنها استفاده خواهد شد. انتخابات یکی از این پدیده‌هاست و ضروری است که در باره نقش و اهمیت آن در تحکیم پایه‌های حکومت اسلامی بحث شود.

۱. تأمین مشارکت مردم: مشارکت مردم در نظام‌های سیاسی امروز، اهمیت روزافزون یافته است. حکومت‌های استبدادی که در گذشته، اشکال اصلی نظام‌های سیاسی در دنیا بودند، در دنیای جدید رو به کاهش‌اند و هر روز بر تعداد حکومت‌هایی که دست‌کم ادعای مردم‌سالاری دارند، افزوده می‌شود. علت این دگرگونی، تقاضاهای روزافزون افراد و گروه‌هایی است که خواهان مشارکت و تأثیرگذاری بر نظام سیاسی‌اند و مقاومت در برابر آنها و جلوگیری از ورود نیروهای جدید به نظام سیاسی، حکومت‌ها را با بحران مشارکت روبه‌رو می‌کند و بر شورش‌های اجتماعی دامن خواهد زد.

انتخابات، افزون بر تأمین مشارکت مردم، آنان را در مسیر قانونی هدایت می‌کند. بنابراین، انتخابات نقش ارزنده‌ای در جلوگیری از بحران مشارکت و ایجاد شورش‌های اجتماعی فراقانونی دارد و وسیله مناسبی برای تأمین ثبات و امنیت سیاسی و اجتماعی است.

۲. انتقال مسالمت‌آمیز قدرت: انتقال قدرت در نظام‌های استبدادی، همواره با جنایت‌های فراوان و خون‌ریزی‌های زیادی همراه بوده است. زمامداران مستبد همان‌گونه که خود قدرت را با زور و سرنیزه به دست می‌آورند، هرگز راضی نخواهند شد که به طور مسالمت‌آمیز قدرت را ترک گویند. همین امر سبب شده است که در گستره تاریخ، انتقال قدرت به یکی از خونین‌ترین حوادث جامعه و اریکه قدرت، مبدل گردد و جامعه دچار ناامنی و هرج و مرج و جنگ‌های داخلی شود.

انتخابات، شیوه مناسب انتقال مسالمت‌آمیز قدرت را فراهم می‌کند. نامزدهای ریاست جمهوری، نمایندگان مردم و... با شرکت در انتخابات، برای کسب رضایت مردم و افکار عمومی رقابت می‌کنند، ولی سرانجام، آرای مردم است که نتیجه را تعیین و برنده میدان را مشخص می‌کند. بنابراین، انتخابات اهمیت زیادی در تأمین ثبات و امنیت و انتقال مسالمت‌آمیز قدرت دارد.

۳. پاسخگویی حکومت: تجربه نظام‌های سیاسی نشان می‌دهد که فرمانروایان هنگامی احساس مسئولیت و پاسخگویی در مقابل مردم خواهند کرد که برای تداوم فرمان‌روایی‌شان به آنان نیاز داشته باشند. نظام‌های حکومتی که نیازمندی‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی‌شان را از منابع بیرون از جامعه تأمین می‌کنند، اهتمام زیادی به خواست‌های مردم نخواهند داشت. دولت‌های رانتیر و دولت‌های وابسته به نیروهای بیگانه، نمونه‌های خوبی در این زمینه هستند. این دولت‌ها که احساس وابستگی به جامعه ندارند، دیر و یا زود، به دیکتاتوری خواهند انجامید و اعتنایی به افکار عمومی نخواهند کرد، ولی دولت‌های وابسته به افکار عمومی، همواره نیازهای مردم را در نظر خواهند داشت و به آن اهتمام خواهند ورزید.

برگزاری انتخابات و گزینش حاکمان براساس آرای عمومی، ابزار مناسبی برای پاسخگو کردن فرمانروایان است؛ زیرا آنان ناگزیرند برای رقابت در انتخابات، افکار عمومی را قانع کنند و برای انتخاب شدن از سوی مردم، تصویر مناسبی از خود ارائه دهند. این موضوع هرچند

تضمین کافی برای محدودیت در اعمال فرمانروایان به شمار نمی‌آید و نمایندگان اغلب به وعده‌های انتخاباتی خود عمل نمی‌کنند، ولی بی‌گمان آزادی کامل در رفتارهای خود ندارند و منافع آنان ایجاب می‌کند که افکار عمومی را همواره در نظر بگیرند.

۴. تقویت روابط ملت - دولت: گسست در مناسبات جامعه و حکومت، رابطه تنگاتنگی با افزایش اعمال خشونت دولت و گسترش اعتراض و نارضایتی مردم دارد. در حکومت‌هایی که روابط دوسویه و بر مبنای رعایت حقوق متقابل با جامعه خود دارند، اعمال اقتدار و رعایت قانون به آسانی تأمین می‌شود و نیازی به کاربرد زور برای اجرای قوانین نخواهد بود. ولی در نظام‌های استبدادی که حکومت و مردم روابط یک‌سویه و اجبارآمیز دارند، اعتراض‌های مردم به اشکال غیرقانونی و خشونت‌آمیز، ظهور خواهد کرد و این روند، به مرور زمان تقویت می‌شود و سرانجام، به صورت انقلاب و یا صورت‌های خشونت‌آمیز دیگر ظاهر خواهد شد.

حضور مردم در پای صندوق‌های رأی و برگزاری انتخابات رقابت‌آمیز، فاصله حکومت و مردم را کاهش خواهد داد و از بروز شورش‌های اجتماعی و اعتراض‌های خشونت‌آمیز جلوگیری خواهد کرد. بنابراین، انتخابات در نظام‌های سیاسی، نقش کاتالیزه کردن و هدایت نارضایتی‌های عمومی به مسیر قانونی، مسالمت‌آمیز و کم‌هزینه را دارد که در صورت نبود آن، هزینه‌های زیادی بر جامعه و حکومت تحمیل خواهد شد.

۵. رشد فرهنگ سیاسی: فرهنگ سیاسی، نقش کلیدی در ماهیت نظام‌های سیاسی دارد. دانشمندان علوم سیاسی رابطه‌ی پایدار و مثبت میان فرهنگ سیاسی و نظام حکومتی کشف کرده‌اند. آنان معتقدند که در فرهنگ سیاسی محدود «مردم اصلاً تصور نمی‌کنند که می‌توانند در شکل‌گیری و دگرگونی هدف‌های سیاسی مؤثر باشند»<sup>۱</sup>، ولی در فرهنگ تبعی مردم تا حدود زیادی از نظام‌های سیاسی، ماهیت و اهداف آن آگاهی دارند، ولی این رابطه یک‌طرفه است و آنان احساس می‌کنند که تنها پیروان و نقش ویژه‌ای در حکومت ندارند و تنها در فرهنگ مشارکتی است که «در آن افراد جامعه به طور نسبی

۱. محمدرضا شریف، انقلاب آرام: درآمدی بر تحول فرهنگ سیاسی در ایران، انتشارات روزنه، ۱۳۸۱، چ اول، ص ۱۴.

در نظام سیاسی نقش دارند و از نظر روانی بر این باورند که می‌توانند بر تصمیمات نظام سیاسی تأثیر بگذارند.<sup>۱</sup> طبیعی است که در این شرایط، نظام‌های حکومتی که در بستر فرهنگ سیاسی خاص رشد می‌کنند؛ تا اندازه زیادی زمینه‌ساز بوده و بازتاب ویژگی‌های آن هستند.

انتخابات آزاد و رقابتی، نقش ویژه‌ای در رشد و شکوفایی فرهنگ سیاسی خواهد داشت؛ زیرا افزون بر این که انتخابات در بیشتر موارد، همراه با بحث‌های فراوان در باره مسائل مختلف حکومت و دولت است، نقش حضور مردم در پای صندوق‌های رأی، آنان را به تفکر و تأمل در مورد حکومت و ادار می‌کند و در بلندمدت از ماهیت حکومت، مشارکت مردم و نقش خود در سیاست و حکومت به طور کامل آگاه خواهند شد.

## ماهیت انتخابات

اندیشمندان دینی در باره ماهیت انتخابات، آرای گوناگون و متفاوتی ابراز کرده‌اند. عده‌ای با تأکید بر اهمیت آرای عمومی معتقدند که مشروعیت حکومت اسلامی وابسته به رضایت مردم است و اعمال ولایت با زور و اجبار پایه شرعی ندارد. گروهی دیگر بر این باورند که مشروعیت نظام اسلامی ناشی از اراده خدایوند است و نقش مردم، تنها کارایی بخشیدن به حکومت دینی است. عده‌ای نیز اعتقاد به مشروعیت ترکیبی و دوپایه‌ای بودن مشروعیت حکومت در طول همدیگر و نه در عرض همدیگر دارند. بنابراین، ارزیابی آنان از ماهیت انتخابات ناشی از دیدگاه آنان در زمینه مشروعیت حکومت اسلامی است. از این رو، ضروری است که ماهیت انتخابات را در پرتو دیدگاه کلی آنان، در این باره بررسی کنیم.

### ۱. دیدگاه انتصاب و انتخابات: در این دیدگاه، حاکمیت به طور ذاتی و اولی ناشی

از اراده خداوند است و کسی شریک او نیست. بنابراین، حاکمیت‌هایی که در متون دینی ریشه ندارند، مشروعیت دینی نیز ندارند و فاقد صلاحیتند، ولی آنان که در آموزه‌های دینی ریشه دارند، مشروعند و اطاعت از آنها ضرورت دینی است. حکومت پیامبران<sup>(ع)</sup>

۱. محمدرضا شریف، همان، ص ۱۵.

و امامان معصوم<sup>(ع)</sup> و در دوران غیبت، فقهای واجد شرایط از دسته دوم‌اند و براساس آموزه‌های دینی مشروع و لازم‌الاتباع هستند. بنابراین، زمان حضور و غیبت تفاوت اساسی ندارند و مشروعیت حکومت در هر دو زمان ناشی از اراده الهی است و نقش مردم تنها جنبه اثباتی دارد.

آیت الله جوادی آملی در این زمینه می‌نویسد: «در عصر غیبت، فقیهی که واجد شرایط علمی و عملی است، از سوی امامان معصوم<sup>(ع)</sup> به سمت افتا، قضا و ولا رسیده است... امامان معصوم<sup>(ع)</sup> سمت‌های سه‌گانه افتا، قضا و ولا و حکومت را حق فقیه جامع‌الشرایط و بلکه وظیفه او قرار داده‌اند و نکته دیگر آن است که این سمت‌های سه‌گانه پیش از رجوع مردم نیز برای فقیه وجود دارند و با رجوع مردم تحقق عملی و خارجی می‌یابند.»<sup>۱</sup> ولی فعلیت بخشیدن ولایت نیز «لزوماً همراه انتخاب امت نیست، بلکه ممکن است این فعالیت از راه اقدام عملی یکی از آنها و یا انتخاب خبرگان (اهل حل و عقد) و یا انتخاب صورت گیرد که اگر انتخاب مردم را هم بپذیرند، آن را در شمار راه‌های دیگر و به عنوان طریق عقلی برای مشخص شدن متولی امر در میان افراد واجد شرایط می‌باشد؛ نه این‌که مانند انتخابیون آن را امری شرعی و داخل در موضوع فرض کنند.»<sup>۲</sup> بنابراین، آرای عمومی هیچ‌گونه نقشی در مشروعیت نظام ندارد و تنها زمینه‌ساز و تسهیل‌کننده حکومت اسلامی است.

**۲. دیدگاه انتخاب و انتخابات:** دیدگاه انتخاب با تفکیک دوره‌های حضور و غیبت و اعتقاد به مشروعیت الهی پیامبران<sup>(ع)</sup> و امامان معصوم<sup>(ع)</sup> معتقد است که در دوران غیبت، مردم نقش مشروعیت‌دهی دارند و مشروعیت حکومت اسلامی، با انتخاب مردم (در چارچوب ضوابط دینی) تأمین می‌شود.

بنابراین دیدگاه، آرای عمومی در مشروعیت حکومت اسلامی نقش دارد و هیچ‌کس حق اعمال ولایت، بدون رضایت مردم را ندارد؛ ولی این نقش، همانند لیبرال دموکراسی خودبنیاد نیست، بلکه به گونه‌ای «جزء‌الموضوع» است و مردم تنها در محدوده آموزه‌های دینی حق

۱. ولایت فقیه، صص ۳۸۹ و ۳۹۰.

۲. نعمت الله اصغری، «انتصاب و انتخاب»، فصلنامه حکومت اسلامی، ش ۶، ص ۱۰۵.



انتخاب دارند و فراتر از آن، چنین حقی ندارند.

### ۳. نظریه ترکیبی و انتخابات: براساس بیش ترکیبی، ولایت فقهای واجد شرایط در

تداوم ولایت پیامبران و امامان معصوم است و ولایت آنان الهی است و در متون دینی ریشه دارد. به بیان دیگر، ولایت فقهای واجد شرایط انتصابی و ناشی از اراده خداوند است، ولی در مرحله ثبوت و واقع است و برای اثبات و فعلیت، نیازمند آرای عمومی است. بنابراین، حکومت دارای شأنیت و فعلیت است؛ همان گونه که مرتبه شأنیت دارای ویژگی‌های خاصی است و هرکسی شأنیت آن را ندارد. مرحله فعلیت نیز ویژگی‌هایی دارد که با هر شیوه‌ای اعتبار دینی نخواهد داشت. از این رو، آنان رضایت مردم را شرط فعلیت می‌دانند و بر این باورند که اعمال ولایت با زور و اجبار، اعتبار شرعی ندارد.

به عقیده یکی از نویسندگان این گروه «مطابق سخن پیامبر اکرم (ص) و عملکرد علی (ع) میزان تأثیر آرای عمومی در تعیین زمامدار به اندازه‌ای است که بدون رضایت و یا رأی مثبت آنان، زمامدار اسلامی مجاز به تصدی حکومت و اعمال ولایت در این خصوص بر آنها نمی‌باشد. به عبارت دیگر، باید دو مرحله را از یکدیگر تفکیک نمود. یکی مرحله ثبوت ولایت است و دیگری مرحله اعمال ولایت با تولی و تصدی امور مسلمین. در مرحله اول، رأی مردم هیچ دخلی ندارد؛ چرا که ولایت از آنان سرچشمه نمی‌گیرد و لذا توسط آنان نیز قابل اعطا یا سلب نمی‌باشد. ولی در مرحله دوم رأی مردم، عنصر اصلی است؛ زیرا بدون احراز رأی مثبت آنان، زمامدار شرعی مجاز به اعمال قدرت بر آنها نخواهد بود. بدون شک، در چنین حالتی زمامدار واجد شرایط همچنان دارای ولایت است... لکن مجاز به اعمال ولایت مزبور نیست»<sup>۱</sup>.

بنابراین، آرای مردم در این دیدگاه نیز اهمیت ویژه‌ای دارد و رضایت مردم، شرط اعمال ولایت است و کسی بدون اراده مردم حق اعمال آن را ندارد.

۱. اهتمام به آرای عمومی در حکومت علوی، ص ۱۱۴.

## مبانی فقهی انتخابات

جایگاه انتخابات در آموزه‌های دینی چیست؟ آیا می‌توان پیشینه‌ای برای آن در مفاهیم دینی یافت؟ رابطه انتخابات با مبانی فقهی چیست؟

اندیشمندان دینی آموزه‌های چندی را مبنای فقهی انتخابات دانسته‌اند.

۱. شورا: ماهیت حکومت اسلامی بر پایه مشارکت مردم و مشورت با آنان است. در آموزه‌های دینی تأکید فراوانی بر مشورت فرمانروایان با مردم و پرهیز از دیکتاتوری و استبداد شده است. قرآن کریم می‌فرماید: «وامرهم شوری بینهم» (شوری: ۳۸).

آیت الله معرفت در تفسیر آیه می‌نویسد: «مقصود از «امر» شئون سیاسی و اداری کشور و امت است؛ زیرا در امور شخصی، مشاورت با عامه مردم مفهومی ندارد و در امر نبوت نیز پیامبر تنها با وحی در ارتباط است و جایی برای مشورت در امور مربوط به پیامبری نیست. در نتیجه تمامی مسئولان امر و دست‌اندرکاران سیاسی و اداری در نظام اسلامی شرعاً موظفند تا در تمامی شئون سیاسی - اداری در کنار مردم باشند و آن را کاملاً در جریان بگذارند و همواره رأی اعتماد مردم را پشتوانه اقدامات خود قرار دهند»<sup>۱</sup>.

شیوه مشورت با مردم در امور سیاسی و اجتماعی می‌تواند متناسب با شرایط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کشور متفاوت باشد. انتخابات یکی از شیوه‌های مرسوم در دنیای کنونی برای انتخاب و گزینش فرمانروایان است. بنابراین، انتخابات را می‌توان گونه‌ای از مشورت با مردم و کسب نظر از آنان به شمار آورد و شورا را یکی از مبانی فقهی آن دانست.

۲. بیعت: اندیشمندان مسلمان در باره ماهیت حقوقی بیعت، آرا و دیدگاه‌های گوناگون ابراز کرده‌اند. این امر بیشتر ناشی از دیدگاه‌های کلی آنان در مورد اهمیت مشارکت مردم در نظام سیاسی است. گروهی که مشروعیت حکومت اسلامی را در دوران غیبت ناشی از اراده مردم در چارچوب شرعی می‌دانند، معتقدند که بیعت، نقش مشروعیت‌دهی دارد

۱. محمدهادی معرفت، ولایت فقیه، ص ۹۵.

و انتخابات نوعی بیعت است که با گذشت زمان پیچیده شده است، ولی در اساس و ماهیت، تفاوت بنیادی با آن ندارد. برخی که نقش مردم را تنها در کارآمدی نظام می‌دانند، در مورد حقیقت بیعت نیز قائل به اعلان اطاعت و رضایت‌اند و انتخابات را پدیده‌ی متفاوت با آن می‌دانند. گروه دیگر که به نقش اثباتی و فضیلت بخشیدن نقش مردم باور دارند نیز تفاوت جدی میان آنان نمی‌بینند. بنابراین، متفکران دینی هرچند که همانند ماهیت انتخابات، در مورد ماهیت بیعت نیز دچار تفاوت آرا هستند، همگی بر نقش مشارکت مردم در نظام اسلامی تأکید دارند. انتخابات نیز جدا از ماهیت حقوقی آن، ابزار مشارکت قانونی است. بنابراین، دامنه مفهوم بیعت شامل آن نیز می‌شود و براساس این اصل مورد تأیید آموزه‌های دینی است.

**۳. آزادی سیاسی:** مفهوم آزادی در آموزه‌های دینی جایگاه ویژه و ممتازی دارد. ماهیت اصلی پیام و رسالت ادیان الهی، مبارزه با طاغوت و آزادی انسان از زنجیرهای درونی و بیرونی است.

به عقیده آیت‌الله مصباح: «از دیدگاه اسلامی اصل بر این است که آدمیان در زندگی خود آزاد باشند و هرچه می‌کنند بر پایه گزینش‌های آزادانه خودشان باشد... استکمال انسانی هم جز با افعال اختیاری و خودخواسته صورت پذیرد... اگر تصمیمات قانونی چنان باشد که عملاً جز یک راه در پیش‌پای انسان نماند و شخص جز گام‌زدن در مسیر واحد- ولو مسیر کاملاً صحیح- چاره‌ای نداشته باشد، حرکت تحمیلی و جبری و بنابراین، غیراستکمالی خواهد بود»<sup>۱</sup>.

مشارکت آزادانه مردم در انتخاب شدن و انتخاب کردن، از نمودهای برجسته آزادی مردم در سیاست و حکومت است و گروه وسیعی از آزادی‌ها را در بر می‌گیرد. انتخابات، یکی از ابزارها و وسایل مشارکت قانونی مردم و تأثیر عملی در سیاست و حکومت است. بنابراین، آزادی سیاسی از مفاهیم دینی دیگری است که می‌تواند مبنای فقهی انتخابات باشد.

**۴. برابری:** ماهیت‌اساسی آموزه‌های دینی، گسترش عدالت و برابری و مبارزه با

۱. محمدتقی مصباح، حقوق و سیاست در قرآن، انتشارات مؤسسه آموزش امام خمینی، «وجوه آزادی در اسلام».

اشکال گوناگون تبعیض است. اهمیت این اصل، به اندازه‌ای است که خداوند، رسالت اصلی پیامبر (ص) را گسترش عدل و قسط می‌داند و می‌فرماید: «لیقوم الناس بالقسط (حدید: ۲۵)؛ تا مردم به انصاف برخیزند».

و در آیه دیگر، با صراحت تمام، برابری افراد بشر را از هر قوم و نژاد و جنس... اعلام می‌فرماید:

إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتِّقَاكُمْ.  
(حجرات: ۱۳)

من (خداوند) شما را مرد و زن خلق کردم و شعبه و قبیله را وسیله آشنایی شما قرار دادم و گرامی‌ترین شما نزد خداوند متعین شما هستند.

انتخابات، تجلی عینی اراده و مشارکت مردم و برابری حقوق اعضای یک جامعه است. در انتخابات، با حاکمیت اصل «هر فرد، یک رأی» بدون هیچ‌گونه تبعیض، مردم از هر قوم و نژاد و مذهب و با هر مقداری پول، ثروت و... در پای صندوق‌های رأی حاضر می‌شوند و اراده خود را اظهار می‌کنند. بنابراین، انتخابات تا حدود زیادی بازتاب برابری حقوقی مردم و مورد تأیید آموزه‌های دینی است.

**۵. سیره عقلا:** انتخابات شیوه عقلانی مشارکت مردم در سرنوشت سیاسی است و عمق و دامنه مردم‌سالاری در یک کشور پیوندی عمیق با کمیت و کیفیت برگزاری انتخابات دارد. انتخابات آزاد و رقابتی، گویای آن است که جامعه پیام مردم‌سالاری را درک کرده و به اصول آن پای‌بند است، ولی برگزاری نمایشی آن، نشانه نشناختن آن و پای‌بند نبودن به آن است. همین ویژگی باعث شده است که انتخابات در جوامع مختلف با فرهنگ‌های متفاوت مقبولیت عمومی بیابد و آن را اصل عقلانی بدانند و از آن استفاده کنند.

در آموزه‌های دینی نیز شارع مقدس رویه‌های عقلانی را تأیید کرده است. دستورها و اوامر

شرع نیز بر اساس مصالح و مفاسد است و بنابراین، اموری که سیره عقلانی مصالح‌شان را تأیید کند، بعید است که با مخالفت شارع مقدس روبه‌رو شوند.

به عقیده یکی از اندیشمندان مسلمان: «اگر عقلا بر اساس مصالح حکم به حُسن یک امر نمایند، عدم نهی و زجر شارع را کشف می‌کنیم، چندان مخالفی وجود ندارد»<sup>۱</sup>.

بنابراین، انتخابات پدیده عقلانی است که آموزه‌های دینی آن را تأیید می‌کنند و یا دست‌کم تبیینی با آن ندارد.

۶. **شایسته‌سالاری:** حاکمیت افراد شایسته و کارآمد، از نمادهای برجسته سلامت و پاکی نظام سیاسی است؛ زیرا بیانگر این است که از نفوذ افراد فرصت‌طلب و سودجو جلوگیری شده است و نظام بر اساس قانون و ضوابطی که حاکمیت تعیین کرده است، وظایف خود را انجام می‌دهد. تأمین سلامت و پاکی جامعه اسلامی و مبارزه با فساد، در اشکال مختلف آن، از اهداف بنیادی آموزه‌های دینی است و در متون دینی تأکید زیادی بر حاکمیت شایستگان بر نظام اسلامی شده است.

قرآن کریم می‌فرماید:

وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا. (ساء: ۵)

تأسیس ۱۳۹۴

اموال‌تان را که خداوند مایه قوام‌تان قرار داده است، به دست سفیهان ندهید.

پیامبر اکرم (ع) می‌فرماید:

مَنْ تَقَدَّمَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ وَ هُوَ يَرَى أَنَّ فِيهِمْ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنْهُ، فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَالْمُسْلِمِينَ.<sup>۲</sup>

کسی که - در هر کاری - خود را بر دیگران مقدم دارد؛ در حالی که می‌داند شایسته‌تر از او در میان آنان است، هرآینه به خداوند و پیامبر و مسلمانان خیانت کرده است.

۱. سید عبدالقیوم سجادی، مبنای تحزب در اندیشه سیاسی اسلام، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲، ج اول، ص ۱۸۳.

۲. عبدالحسین امینی، الغدير، مركز الغدير للدراسات الاسلاميه، ۱۴۱۶ هـ ق، ج ۸، ص ۲۹۱.

انتخابات، یکی از شیوه‌های تحقق شایسته‌سالاری است؛ زیرا افراد با شرکت در یک رقابت آزاد، توانایی‌های خود را به نمایش می‌گذارند و مردم با شناخت نسبی از توانمندی‌های افراد، کارآمدترین آنان را برمی‌گزینند. تبلیغات انتخاباتی ممکن است با بزرگ‌نمایی و یا کوچک‌نمایی مانع از شناخت واقعی مردم شود، ولی این امر، مطلق نیست و مدیران کارآمد نیز بدون پشتوانه تبلیغاتی نیستند. بنابراین، انتخابات روزنه‌ای است به سوی شایسته‌سالاری و ارزش‌های دینی آن را تأیید و برآن تأکید می‌کنند.

## ویژگی‌های انتخابات

رقابت‌های انتخاباتی در حکومت اسلامی در چارچوبی ضابطه‌مند اجرا می‌شود و رقابت‌کنندگان موظفند معیارها و موازینی را رعایت کنند که تضمین‌کننده ارزش‌های دینی، حقوق مردم، رقابت‌کنندگان و مصلحت جامعه است. به نظر می‌رسد که رعایت اصول زیر، برای تحقق این اهداف ضروری است:

۱. **قانون‌مداری:** در فرهنگ دینی، رعایت حقوق افراد و گروه‌ها و ارزش‌های دینی اهمیت ویژه‌ای دارد و از تجاوز به آن به شدت نهی شده است. تأمین این مهم در رقابت‌های انتخاباتی نیازمند اصول و معیارهای روشن رقابت و اهتمام نامزدهای انتخاباتی به آن است و سزاوار نیست که داوطلبان حکومت اسلامی با قانون‌شکنی به حکومت دست‌یابند. بنابراین رعایت قانون و قانون‌مداری از موازین بنیادی انتخابات در حکومت اسلامی است.

علی (ع) می‌فرماید:

إِنَّهُ لَيْسَ عَلَى الْإِمَامِ إِلَّا مَا حَمَلَ مِنْ أَمْرِ رَبِّهِ<sup>۱</sup>

بر امام چیزی جز پیروی از دستور پروردگار نیست.

۲. **رعایت مصالح نظام:** رقابت انتخاباتی، وسیله مشارکت مردم، شایسته‌سالاری و

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۴.

گسترش ظرفیت نظام است. رقابت‌کنندگان با قبول مشروعیت حکومت برای دست‌یابی به قدرت تلاش می‌کنند. بنابراین فعالیت آنان نباید مغایر با مصالح عمومی جامعه باشد. بلکه وظیفه دارند که با رعایت مصلحت مردم و نظام اسلامی باهم رقابت کنند و از تضعیف نظام و جامعه اسلامی بپرهیزند؛ زیرا اهمیت مصلحت حکومت اسلامی فراتر از هر امر دیگری است و به اعتقاد عده‌ای یکی از منابع اجتهاد است.

۳. رعایت حقوق دیگران: روابط اجتماعی در اسلام بر مبنای نزاکت، اخلاق و احترام بر حقوق دیگران است. ایمان دینی ایجاب می‌کند که افراد و گروه‌ها مناسبات خود را در چارچوب حقوق متقابل تنظیم کنند و به حقوق دیگران تجاوز نکنند. رقابت در انتخابات که برای کسب جایگاه زمامداری در جامعه اسلامی است، مهم‌ترین عرصه تبلور اخلاق و نزاکت دینی است و شایسته نخواهد بود که مدعیان حکومت اسلامی با تجاوز به حقوق دیگران بر اریکه قدرت تکیه زنند.

علی<sup>(ع)</sup> می‌فرماید:

فَانْهَمْ صَفَانَ اِمَّا اَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ وَاِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ.<sup>۱</sup>

مردم یا برادران دینی تو اند و یا همتای انسانی. در هر صورت، باید حقوق آنان رعایت شود. **بیان اندیشه**

به عقیده علامه جعفری: «با مطالعات همه‌جانبه در وضع مغزی و روانی انسان‌ها به این نتیجه می‌رسیم که اگر کسی پی به اهمیت کرامت و شرف انسانی ببرد و خود از این سرمایه با عظمت انسانی برخوردار باشد، محال است که کس دیگر کرامت و شرف او را جریحه‌دار کند. بنابراین، اگر اشخاصی در هر خانواده و هر جامعه و گروهی پیدا شوند که حق (یا به اصطلاح صحیح‌تر حکم) کرامت انسانی را مراعات نکنند، یقین است که خود آن اشخاص از کرامت و شرف بی‌بهره هستند».<sup>۲</sup>

۴. وفاق ملی: رقابت در عرصه‌های مختلف جامعه موجب تحرک، بالندگی و پویایی

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲. حکمت اصول سیاسی اسلام، ص ۳۶۱.

است. در عرصه سیاست نیز این امر، از انحصار و تک‌گرایی جلوگیری می‌کند و باعث بهبود سیاست‌ها می‌شود، ولی در صورتی که رقابت، وسیله‌ای برای کشمکش‌های داخلی نشود. در آموزه‌های دینی به شدت، از تفرقه و نفاق در پیکره جامعه اسلامی نهی شده و بر اتحاد و یگانگی توصیه فراوان شده است.

قرآن کریم می‌فرماید:

وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا. (آل عمران: ۳)

به ریسمان خداوند چنگ زنید و از تفرقه پرهیز کنید.

بنابراین، رعایت وحدت ملی و برادری اسلامی از وظایف رقابت‌کنندگان است و دامن‌زدن به درگیری‌های داخلی، جواز شرعی ندارد.

۵. اسراف نکردن: در دنیای سرمایه‌داری رقابت‌های انتخاباتی همراه با هزینه‌های کلان مالی است که سرمایه‌داران برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی تأمین می‌کنند، ولی در حکومت اسلامی تبلیغات انتخاباتی تا زمانی مشروعیت دارد که به اسراف نینجامد. اسراف و مصرف بی‌رویه تبلیغاتی، مغایر با ارزش‌های دینی است و متون دینی آن را نهی کرده‌اند.

قرآن کریم می‌فرماید:

وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ. (شعراء: ۱۵۱-۱۵۲)

اطاعت از امر اسراف‌کنندگان که فاسدند نکنید. آنان اصلاح نمی‌شوند.

و در سوره اعراف می‌فرماید:

وَ كَلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَأَسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ. (اعراف: ۳۱)

بخورید و بیاشامید (اما) اسراف نکنید (زیرا) خداوند اسراف‌کاران را دوست ندارد.



## نتیجه گیری

مقبولیت انتخابات در نظام سیاسی، گویای روابط دوجانبه و حقوق متقابل مردم و حکومت است. در نظام‌های مردم‌سالار، مردم با حضور در پای صندوق‌های رأی، اراده خود را اظهار می‌کنند و حکومت دلخواه خود را تشکیل می‌دهند.

حاکمان که موجودیت حکومت‌شان مدیون آرای مردم است، برای تداوم آن نیز ناگزیر از جلب افکار عمومی و رضایت حکومت شوندگان‌اند. بدین ترتیب، روابط دوجانبه میان مردم و حکومت به وجود می‌آید که مانع دیکتاتوری می‌شود و نقش تعیین‌کننده در ثبات و پویایی نظام سیاسی خواهد داشت.

در آموزه‌های دینی، تأکید ویژه‌ای بر مشارکت مردم و اهتمام به آرای عمومی شده و حکومت اسلامی بر پایه قانون و مشورت با مردم است. انتخابات، شیوه و ابزار مشارکت قانونی است و می‌تواند نقش ارزنده‌ای در تحقق آرمان‌های اسلامی داشته باشد و اقتدار و پویایی حکومت اسلامی را گسترش دهد. بنابراین، انتخابات جایگاه ویژه‌ای در حکومت اسلامی دارد و ابزار مناسبی برای پویایی و بالندگی آن است. برگزاری آن در جوامع دینی، متناسب با اهداف اساسی آن، شرایط و ویژگی‌هایی دارد که انتخابات در نظام ارزشی را از حکومت‌های لیبرال دموکراسی متمایز می‌کند.

تأسیس ۱۳۹۴

## منابع

۱. جوادی، آملی، عبدالله، ولایت فقیه، قم، نشر اسراء، چاپ دوم، ۱۳۷۲.
۲. اصغری، نعمت‌الله، انتصاب و انتخاب، فصلنامه حکومت اسلامی، ش ۶.
۳. امینی، عبدالحسین، الغدیر، ج ۸، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه، ۱۴۱۶ هـ. ش.
۴. جعفر، هشام احمد عوض، مصلحت شرعی و حاکمیت سیاسی، فصلنامه حکومت اسلامی، ش ۹.
۵. جعفری، محمد تقی، حکمت اصول سیاسی اسلامی، قم، نشر فرهنگی رجاء، چاپ چهارم، ۱۳۷۲.
۶. رضوی، مسعود، متفکران معاصر اندیشه سیاسی اسلام، نشر فروزان، ۱۳۷۸.

۷. سجادی، عبدالقیوم، مبانی تحزب در اندیشه سیاسی اسلام، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.

۸. شریف، محمد رضا، انقلاب آرام: درآمدی بر تحول فرهنگ سیاسی در ایران، انتشارات روزنه، ۱۳۸۱.

۹. غفوری، محمد، آیین‌نامه‌های حزبی و آیین‌های انتخاباتی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۴۷ و ۱۴۸.

۱۰. قاضی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.

۱۱. مصباح، محمدتقی، حقوق و سیاست در قرآن، انتشارات مؤسسه آموزشی امام خمینی، وجوه آزادی در اسلام.

۱۲. معرفت، محمدهادی، ولایت فقیه، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ۱۳۷۷.

۱۳. نهج البلاغه.